

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا(س)
دانشکده الهیات

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم قرآن و حدیث
عنوان

واکاوی زمینه های انحطاط شخصیت انسان و راههای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

استاد راهنما
دکتر پروین بهارزاده

دانشجو
فاطمه محمدزاده
اسفند ۱۳۸۸



دانشگاه الزهرا(س)
دانشکده الهیات

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم قرآن و حدیث
عنوان

واکاوی زمینه های انحطاط شخصیت انسان و راههای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

استاد راهنما
دکتر پروین بهارزاده

استاد مشاور
دکتر فاطمه علایی رحمانی

دانشجو
فاطمه محمدزاده
اسفند ۱۳۸۸

تقديم به:

عاشقان و پيروان مولا امير المؤمنين (ع)

شکر و سپاس بی کران، پروردگار رحمان و ایزد منان را که بنده
خویش را جامه سلامت پوشاند و با حبل متین، او را دوستدار رسول
و آل رسولش (صلی الله علیه و علی آله) کرد.
سایه مهر و عطوفت پدر و مادری دلسوز را بر سر او گسترد.
همسری مهربان و فرزندان شایسته عطا کرد.
اساتید ارجمندی را مشوق و راهنمای تحقیق و پژوهش او قرار داد.
همچنین با تشکر از همه دوستانی که در این راه مرا یاری کردند.

چکیده

تحقق کمال و رسیدن به هر مرتبه از رشد در گرو ایجاد عوامل و دفع موانع آن است. همچنین شناخت و رفع موانع در رسیدن به کمال مطلوب بر تلاش برای ایجاد عوامل آن مقدم است. از آنجا که شناخت ابعاد وجودی انسان مقدمه ای در جهت اثبات توانمندی و قابلیت‌های استکمالی اوست، لذا آسیب شناسی رفتار و اندیشه وی نیز در جهت تصحیح حرکت و هدایت به سمت کمال امری ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد بود.

"نهج البلاغه" که یکی از بهترین منابع شناخت عوامل انحطاط انسان و نشانه های آن است، به ما می نمایاند که دلبستگی به دنیا و ترجیح آن بر آخرت در کنار غفلت، جهل و هواپرستی، مهم ترین عوامل انحطاط فکری انسان است که به انحطاط اخلاقی و ایجاد احوالی نظیر بخل، حسد، طمع و . . می انجامد و در عمل نیز به ثروت زدگی، ظلم و مخالفت با اولیای الهی منجر می شود.

امیرالمؤمنین(ع) عوارض انحطاط انسان را در حوزه اندیشه: تردید، شرک، کفر و فراموشی آخرت و در حوزه اخلاق: یأس، نفاق و آمیختن حق و باطل و در محدوده عمل: سستی، افسردگی، حیرت و تزلزل در حفظ پیمان و میثاق می داند.

حضرت علی(ع) راهکارهای رهایی از این انحطاط را در حوزه نظر: هویت یابی، تفکر، ایمان و توجه به معاد و در حوزه عمل: زهد، تقوا، وفای به عهد و خدمت به خلق می داند. کلید واژه ها: انحطاط، شخصیت، غفلت، ثروت زدگی، افسردگی، هویت یابی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
- بیان مسأله	۲
- پرسشهای پژوهش	۳
- فرضیات پژوهش	۳
- اهداف پژوهش و ضرورت آن	۴
- پیشینه پژوهش	۴
- تعریف و تبیین واژه انحطاط	۵
- تعریف و تبیین واژه شخصیت	۵
فصل اول : عوامل زمینه ساز انحطاط شخصیت انسان	
۱-۱-عوامل انحطاط در حوزه اندیشه و تفکر	۸
۱-۱-۱- دنیا	۹
۱-۱-۱-۱- دل بستگی به دنیا	۱۵
۱-۱-۱-۲- فریفته دنیا شدن	۲۰
۱-۱-۱-۳- ترجیح دنیا بر آخرت	۲۲

- نحوه تعامل انسان با دنیا

۲۵

۱-۱-۲- امیدها و آرزوهای طولانی

۲۷

۱-۱-۳- غفلت

۳۳

۱-۱-۴- جهل و نادانی

۳۶

۱-۱-۵- شیطان

۴۲

۱-۱-۶- هوی پرستی

۴۸

۱-۲- عوامل انحطاط در حوزه اخلاق

۵۵

۱-۲-۱- تکبر

۵۵

۱-۲-۲- حسد

۶۲

۱-۲-۳- طمع و آز

۶۵

۱-۲-۴- بخل و تنگ نظری

۶۹

۱-۲-۵- عُجب و خودپسندی

۷۲

- آثار عُجب

۷۳

۱-۳- عوامل انحطاط در حوزه رفتار

۷۶

۱-۳-۱- مال اندوزی و ثروت زدگی

۷۶

۱-۳-۲-مخالفت با ولیّ خدا	۷۹
۱-۳-۳-ظلم و ستم	۸۲
۱-۳-۳-۱-اقسام ظلم	۸۲
۱-۳-۳-۲-انگیزه های ظلم	۸۴
۱-۳-۳-۳-سرنوشت ظالم	۸۴
فصل دوم : عوارض و نشانه های انحطاط شخصیت انسان	
۲-۱-عوارض انحطاط در حوزه تفکر و اندیشه	۸۶
۲-۱-۱-شک و تردید	۸۶
۲-۱-۱-۲-انواع شک	۸۷
۲-۱-۱-۲-آثار شک	۸۷
۲-۱-۱-۳-شعبه های شک	۸۹
۲-۱-۲-پوچ گرایی	۹۰
۲-۱-۳-کفر	۹۲
۲-۱-۴-شرک	۹۳
۲-۱-۵-فراموشی آخرت	۹۴
۲-۲-عوارض انحطاط در حوزه اخلاق	۹۷

۱-۲-۲-نا امیدی و یأس	۹۷
۲-۲-۲-آمیختن حق و باطل	۹۹
۳-۲-۲-ریا و نفاق	۱۰۴
۳-۲-عوارض انحطاط در حوزه رفتار	۱۰۸
۱-۳-۲-کاهلی و سستی	۱۰۸
۲-۳-۲-حیرت و سرگردانی	۱۱۱
-عوامل حیرت	۱۱۲
۳-۳-۲-تزلزل در حفظ پیمان	۱۱۶
۴-۳-۲-افسردگی	۱۱۹
۱-۴-۳-۲-عوامل افسردگی	۱۲۰
۲-۴-۳-۲-عوامل از بین برنده افسردگی	۱۲۱
فصل سوم : راههای رهایی انسان از انحطاط شخصیت	
۱-۳-بُعد نظری	۱۲۲
۱-۱-۳-خودشناسی و هویت یابی	۱۲۲
۲-۱-۳-تفکر و اندیشه ورزی	۱۲۴
۱-۲-۱-۳-ارزش تفکر	۱۲۵

۳-۱-۲-۲-ثمرات تفکر	۱۲۷
۳-۱-۳-ایمان	۱۲۸
۳-۱-۳-۱-ارزش ایمان	۱۲۹
۳-۱-۳-۲-انواع ایمان	۱۳۰
۳-۱-۳-۳-شرایط کمال ایمان	۱۳۱
۳-۱-۳-۴-آفات ایمان	۱۳۳
۳-۱-۴-توجه به معاد	۱۳۵
۳-۱-۴-۱-آخرت گرایی	۱۳۵
۳-۱-۴-۲-مرگ اندیشی	۱۳۸
۳-۱-۴-۲-۱-ثمرات مرگ اندیشی منطقی	۱۳۹
۳-۱-۴-۲-۲-علل ترس از مرگ	۱۴۱
۳-۲-۲-بُعد عملی	۱۴۴
۳-۲-۳-۱-تقوا و پروا پیشگی	۱۴۴
۳-۲-۳-۲-زهد (ساده زیستی و قناعت پیشگی)	۱۵۰
۳-۲-۳-۳-وفای به عهد	۱۵۷
۳-۲-۳-۳-خدمت به خلق	۱۶۰

- نتایج کلی

۱۶۳

- فهرست منابع

۱۶۶

فصل اول

عوامل زمینه‌ساز انحطاط شخصیت انسان

مقدمه:

آفرینش انسان داستانی شگفت انگیز و پیچیده دارد. او موجودی دو بُعدی و مختار است و این مهم او را از دیگر موجودات عالم متمایز ساخته است. انسان با تکیه بر این ویژگی می تواند با بُعد فطری و نورانی خود در شاهراه هدایت گام نهد و استعداد های مثبت خویش را از قوه به فعل رسانده و با سرعت بخشیدن در این راه از خود شخصیتی سالم و بالنده بسازد و از دیگر سو، می تواند با تکیه بر بُعد ظلمانی خود از شاهراه هدایت منحرف گردیده، کمالات وجودی خود را منکوب ساخته و با گام نهادن در این بیراهه از خود شخصیتی ناسالم و منحط بسازد.

آموزه های دینی جهت تکامل شخصیت انسان و به اعتدال کشیدن ابعاد مختلف وجودی وی، چگونگی بهره گیری از مواهب مادی و ارزشهای معنوی را در اختیارش قرار داده و به آنها رهنمون گردیده است تا در این راستا به کمال خویش دست یافته و از استعدادهای خود بهره گیرد.

یکی از برنامه های مهم در جهت بروز دادن استعدادهای انسان کنار زدن موانع رشد یا عوامل سقوط است، به عبارت دیگر مانع زدایی بر ایجاد عوامل مؤثر در رشد و هدایت انسان تقدم دارد لذا برای انجام کار ابتدا باید این عوامل را شناخت و سپس برای از بین بردن آن در جستجوی راه حل هایی پرداخت؛ از آن جا که زمینه تحقیق پیرامون این موضوع بسیار پراکنده است و در حوزه های مختلف علمی اعم از قرآنی، روایی، فلسفی، اخلاقی، عرفانی و... قابل بررسی و تحقیق می باشد، برای جلوگیری از گستردگی تحقیق و خلط مطالب با یکدیگر، دامنه تحقیق محدود به

کتاب شریف نهج البلاغه گردید؛ زیرا این کتاب مجموعه ای بسیار گران سنگ و حاوی بیانات امیر مؤمنان علی(ع) می باشد. به همین دلیل محوریت جمع آوری مطالب و دسته بندی و چینش آنها در این پژوهش همه بر اساس اطلاعاتی است که از این کتاب شریف جمع آوری گردیده است. در مجموع، این پژوهش و نوشتار، در سه فصل پیشکش خوانندگان محترم می گردد:

فصل نخست به بیان عوامل زمینه ساز انحطاط شخصیت انسان در سه حوزه اندیشه، اخلاق و رفتار می پردازد.

فصل دوم به عوارض و نشانه های یک شخصیت منحط در سه حوزه مذکور اختصاص دارد. لازم به ذکر است که بعضی از عوارض انحطاط شخصیت خود می توانسته عامل فرعی برای ایجاد انحطاط محسوب شود به این معنا که در عین حال که عارضه می باشد، می تواند از جهت دیگری عامل به حساب آید.

فصل سوم مربوط به بیان راهها و روشهایی برای رهایی از انحطاط شخصیت انسانی باشد.

- در ترجمه های ارائه شده آیات قرآن، از ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند بهره گرفته شده است.

- در ترجمه های روایات نهج البلاغه، از ترجمه استاد سید جعفر شهیدی استفاده شده است که آیت الله جعفر سبحانی در باره آن چنین گفته اند: این ترجمه، ترجمه ای متقن و فصیح می باشد.[□]

□ امید آنکه این پژوهش، کمکی هر چند اندک در جهت شناخت عوامل و راههای رهایی از انحطاط شخصیت انسان باشد.

- پرسش پژوهش و تبیین آن از دیدگاه علی(علیه السلام) در نهج البلاغه، انسان چگونه به انحطاط در شخصیت مبتلا می شود؟

۱- سبحانی، جعفر، «گذری بر نهج البلاغه»، قیسات، شماره ۱۹، سال ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۴۵.

موضوع انحطاط انسان یکی از مهمترین مسائلی است که امروزه در جوامع کنونی مورد توجه قرار دارد. از منظر جهان بینی توحیدی، انسان مسافری است که رهسپار لقای خداوند است. سفر وی سیر به سوی مکانت برتر است. این سیر و رسیدن به کمال مطلوب رسالت انسانی اوست. اما پیوسته موانعی او را از این سیر بازداشته و به پرتگاه انحطاط می کشاند .

انسان منحط نه خود رشد یافته و نه می تواند جامعه ی خود را رشد داده و اصلاح نماید. صعود یا سقوط انسان بر اساس معرفت او نسبت به خدا و هستی محقق می شود و معرفت به خدا به میزان خود شناسی وی بستگی تام دارد .

گاه موانعی جدی اعم از موانع نظری و موانع عملی، سیر معرفتی انسان را مختل می سازد و این مسافر را از جاده ی راستین و صراط مستقیم منحرف ساخته و موجب انحطاط وی می گردد .

طبعاً انسان منحط در اندیشه و رفتار، متفاوت از انسان کمال یافته است. در این پژوهش برآنیم تا از طریق کلام گهر بار امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به واکاوی عواملی که موجب انحطاط انسان است بپردازیم و نشانه های انسان منحط را بازشناسیم.

- پرسش های پژوهش (پرسش های فرعی) :

- ۱- امام علی (علیه السلام) کدامین عوامل را زمینه ساز سقوط و انحطاط انسان معرفی می کنند؟
- ۲- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کدامین عوارض را نشانه و علامت انسان منحط می دانند؟
- ۳- از منظر نهج البلاغه ، مهمترین راههای رهایی از سقوط و انحطاط انسان کدام است؟

- فرضیات پژوهش:

- ۱- امام علی (علیه السلام) در بعد نظری، عواملی مانند: غفلت، پندارگرایی، وسوسه ی علمی و ... را از جمله عوامل سقوط و انحطاط انسان برشمرده اند و در بعد عملی به عواملی همچون هوس مداری، دنیا گرایی، عدالت ستیزی و ... اشاره دارند.

۲- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عوارضی همچون: نفاق، پیمان شکنی، ریا و فریب کاری، سستی و تنبلی، حق گریزی و ... را از مهمترین نشانه های انسان منحط دانسته اند.

۳- در نهج البلاغه، توجه به مبدأ و معاد، خود شناسی و هویت یابی از مهمترین راههای رهایی از سقوط و انحطاط انسان عنوان شده است.

- اهداف پژوهش و ضرورت آن :

اهداف :

۱ - شناسایی علل و منشأ پیدایش مشکلات انسان از منظر علی (علیه السلام).

۲ - دستیابی به راهکارهای ارائه شده از سوی امام علی (علیه السلام) جهت رفع مشکلات مزبور.

ضرورت :

در سخنان معصومان (علیهم السلام) عموماً و در نهج البلاغه به طور خاص، توجه ویژه ای به صورت و سیرت انسان صورت گرفته است، قطعاً شناخت همه ی ابعاد وجودی انسان مقدمه ای جهت اثبات توانمندی و قابلیت ها ی استکمالی اوست، در این راستا آسیب شناسی رفتار و اندیشه انسان در جهت تصحیح حرکت و هدایت وی به سمت کمال امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

- پیشینه پژوهش :

پس از جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی مختلف و بررسی عناوین کتابها، پایان نامه ها و

مقالات موجود در مورد نهج البلاغه، نگارنده به موارد زیر دست یافت :

الف) کتابها: ۱- فلسفه و هدف زندگی، جعفری، محمد تقی، چاپ اول، صدر، تهران، ۱۳۶۸ هـ.ش.

۲- حیات معقول، جعفری، محمد تقی، چاپ دوم، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلام،

تهران، ۱۳۶۸ هـ.ش.

کتابهای مذکور اشاره کوچکی به بحث مورد نظر داشته اند، نگارنده بر آن است، موضوع را از زوایای کامل تر، مورد نگارش قرار دهد.

ب) پایان نامه ها و مقالات : نگارنده در این خصوص به پایان نامه یا مقاله ای که با بحث مورد نظر ارتباط داشته باشد دست نیافت.

- تعریف و تبیین واژه انحطاط :

از آنجا که واژه انحطاط یکی از واژه هایی کلیدی در این نوشتار است قبل از بررسی عوامل انحطاط انسان لازم است به جستجوی معنای این واژه پرداخته شود .

انحطاط از ماده حطّ در اصل به معنی فرود آمدن یا فروافتادن چیزی از بلندی است [□].

فراهیدی می نویسد : الحطّ به معنی برداشتن یا پایین آوردن بار و کجاوه از پشت حیوان باربر

می باشد . همچنین او می گوید : واژه حطّ به معنی فرود آمدن و جاری شدن چیزی از بلندی

است [□].

ذیل همین واژه مصطفوی می نویسد : فروافتادن از مقام یا پایین آوردن سنگینی و بار، مادی باشد

یا معنوی [□].

نظر به این که مبدأ اشتقاق انحطاط ، حَطَطَ است می توان گفت : که انحطاط به معنای سقوط و

تنزل کردن و یا پذیرش اثر سقوط و تنزل از مرحله ای به مرحله دیگر است .

تعریف و تبیین واژه شخصیت :

با این که مفهوم شخصیت مانند خود انسان اهمیت ویژه ای دارد و در علوم رفتاری به بحث

گذاشته می شود، تعریفی واحد و جامع که پذیرفته همگان باشد به دست نیامده است؛ زیرا برخی

۱- راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی کلمات القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دار العلم الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲هـ.ق، ص ۲۴۲.

۲- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۳، ص ۱۸.

۳- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، چاپ اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۶۰هـ.ش، ج ۲، ص ۲۴۴.

جهانِ درونِ انسان را اصیل می دانند و رفتارهای او را در سایهٔ این بینش تفسیر می کنند و برخی بر خلاف این دیدگاه عالمِ درون انسان را جدای از رفتارهای او مطالعه پذیر نمی دانند و همه چیز را در گُنشها و واکنشهای او تفسیر می کنند.[□]

همین دیدگاههای متفاوت « درون گرا » و « برون گرا » است که منشأ بروز تعریفهای بسیار و گاه متعارض گشته است تا آن جا که برخی برای شخصیت تا پنجاه تعریف ذکر کرده اند.[□] شخصیت مجموعه ای از ویژگیهای بادوام و منحصر به فرد است که امکان دارد در پاسخ به موقعیتهای مختلف تغییر کند.[□]

علامه جعفری در این مورد می نویسد: تبلور هماهنگ مجموع عناصر و فعالیتهای درونی که مدیریت اصول بنیادین جهانِ درونی را در دست دارد، شخصیت نامیده می شود.[□] شخصیت انسانی؛ به اضافهٔ آن عظمت ها و استعدادها که دارد، از یک حقیقت دیگر بر خوردار است که در برابر تحولات، ثابت و برقرار است.[□] بیماری شخصیتی منشأ همهٔ انحرافات، پلیدیها، حق کشی ها و خونریزی ها است و شخصیت سالم منبع انواع خیرات و سعادت‌های فردی و اجتماعی برای انسانها می باشد. چهرهٔ بسیار زیبایی شخصیت سالم با یک روشنایی روشنگر، مدیریت درون آدمی را به دست می گیرد و طعم قرارگرفتن انسان را در جاذبیت خداوندی به او می چشاند.[□]

۱- احمدی، علی اصغر، روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، چاپ سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش، ص ۱۰.

۲- شولتز، دوان پ، و سیدنی الن، نظریه های شخصیت، مترجم: محمدی، یحیی، چاپ یازدهم، انتشارات ویرایش، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۱۰.

۳- همان، ص ۱۱.

۴- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر فرهنگ نشر اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵- همان، ج ۲۵، ص ۹۱.

۶- همان، ج ۲۶، ص ۶۸ تا ۷۰.

فصل اول: عوامل زمینه ساز انحطاط شخصیت انسان

هر پدیده ای، مشمول اصل علیت است؛ بدین معنا که به طور اتفاقی و بدون وجود یک سلسله پیش زمینه ها و شرایط و عوامل به وجود نمی آید. انحطاط مانند هر پدیده ای در پی وجود علتش تحقق پیدا می کند. حال اگر با دید فلسفی به اصل علیت نگاه کنیم، با سه مفهوم شرط، مقتضی، و مانع مواجه می شویم. برای روشن شدن مطلب، مثالی ساده مطرح می کنیم: برای سوختن یک قطعه چوب نیاز به اموری است: ۱- آتش ۲- مرطوب نبودن چوب ۳- نزدیک بودن آتش به چوب.

اگر خوب دقت کنیم، می بینیم که نقش آتش در سوختن چوب بیشتر از دو مورد دیگر است. آتش مقتضی است و نزدیک بودن آن به چوب، شرط تأثیر آن در چوب است، و رطوبت، مانع تأثیر آتش است که بایستی از بین برود. آتش را مقتضی، رطوبت را مانع، و نزدیک بودن آتش به کاغذ را شرط زمینه ساز برای تأثیر مقتضی می گوییم.

حال به مجموع «مقتضی، عدم مانع و شرط»، علت تامه، و به هر یک از اجزای آن عامل می گوییم. البته عامل را در دو مفهوم عام و خاص می توان به کار برد. در مفهوم عام به هر یک از